

اثربخشی آموزش گروهی به روش روایت درمانی بر طلاق عاطفی و بهبود کیفیت روابط زناشویی زوجین شهر اصفهان

نفیسه ابطحی فروشانی

دانش آموخته کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، واحد خمینی شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

نام نویسنده مسئول:

نفیسه ابطحی فروشانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۸

چکیده

هدف از مطالعه سبک دلبستگی و عشق به همسر در زنان دانشجوی دارای فرزند زیر یکسال شهر اصفهان بود. جامعه شامل کلیه زنان دانشجوی دارای فرزند زیر یک سال شهر اصفهان و نمونه به صورت در دسترس هدفمند بود جهت تعیین سبک دلبستگی از آزمودنی ها آزمون دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور اخذ گردید. روش جمع آوری اطلاعات مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. برای تعیین روایی از روش سه سویه سازی استفاده گردید. مصاحبه ها به صورت دستی کدگذاری و مفهوم سازی گردید. نتایج پژوهش تاثیر فرزند زیر یک سال و سبک دلبستگی بر میزان عشق به همسر را تایید نمود. یعنی زنان داری سبک دلبستگی ایمن غالباً قبل از فرزند آوری دارای سبک عشق ورزی آرمانی بوده و علیرغم اینکه تولد فرزند در ماه های نخست از میزان ضلع شور و شوق ایشان کاسته می شود ولی به دلیل دو مقوله «توافق بر سر فرزند آوری» و «صمیمیت بالا قبل از فرزند آوری» به عشق آرمانی بازگشت می کنند. ولی در سبک های نایمن به دلیل معیوب بودن یکی از اضلاع صمیمیت و شور و شوق به واسطه مقوله های «بچه ها زمان زیادی می گیرند»، «عدم توافق در فرزند پروری»، «توجه افراطی همسر به نوزاد»، «بی توجهی زوج به وضعیت روحی همسر»، «پیش کشیدن مشکلات گذشته»، «نداشتن توافق در فرزند آوری» و «نبود ارتباط کلامی بین همسران» که بیشترین فراوانی را در بین ۱۶ مقوله به دست آمده داشته اند سبک عشق ورزی ایشان به پوچ، یا فقدان عشق تغییر می کند.

واژگان کلیدی: عشق به همسر، سبک های دلبستگی، تولد فرزند، فرزند زیر یک سال.

مقدمه

ازدواج^۱ تعهدی با عشق و مسئولیت برای صلح، شادی و توسعه روابط خانوادگی است و علاوه بر این، انتخاب یک شریک و ورود به یک زندگی زناشویی، یک نقطه عطف و موفقیت شخصی است (شهبازی، کرایبی و کیانی جم، ۱۳۹۶). پیش از ازدواج تصورات و پیش‌فرض‌هایی درباره ازدواج وجود دارد و همه افراد انتظارات خاصی از ازدواج و همسر آینده خود دارند که به‌طور کامل از فلسفه وجودی این پیش‌فرض‌ها و انتظارات آگاه نیستند. به نظر می‌رسد باورها و انتظاراتی که افراد از ازدواج دارند بر مبنای یک چهارچوب از پیش تعیین‌شده به افراد رسیده است و می‌تواند این باورها و انتظارات واقعیت نداشته باشد (پولی^۲، ۲۰۱۱).

یکی از جنبه‌های مهم ازدواج بررسی مسائل عاطفی است. چیزی که تحت عنوان عشق^۳ از آن یاد می‌شود (درویش زاده پاشا، ۲۰۱۱). با آنکه عشق از زمان‌های کهن در بین انواع دیگر روابط ممتاز بوده است، اما فقط در سال‌های اخیر به‌عنوان پایه‌ی برای انتخاب همسر در نظر گرفته می‌شود. این عقیده که پیوستگی عاطفی همراه با عشق برای ادامه‌ی ارتباط طولانی بین زوج‌ها کافی است در همه‌جا وجود دارد. در نظر گرفتن امتیازاتی مانند (خانه، درآمد بالقوه، وضعیت عقلی و خانوادگی) قبل از انتخاب شریک زندگی، سرد و بی‌روح به نظر می‌رسد. عموم افراد با در نظر گرفتن روابط صمیمی به شکل یک موضوع تجاری، مخالفاند. در واقع تعداد کمی از افراد با اطلاعات ناچیزی که دربار همدیگر دارند به ازدواجی تن در می‌دهند که تا پایان عمر بقاء داشته باشد. عشق و ازدواج را امور مربوط به قلب می‌دانند و عشق در واقع تجربه‌ای است که از منطق و استدلال پیروی نمی‌کند و در نتیجه باید دلیل و برهان را پس بزند (هاتفیلد و راپسون^۴، ۱۹۹۳). مازلو، عشق را با میل جنسی که یک نیاز فیزیولوژیکی است برابر نمی‌دانست اما قبول داشت که میل جنسی یک راه برای بیان نیاز عشق است (شولتز و شولتز، ۲۰۱۳؛ ترجمه سیدمحدی، ۱۳۹۸).

بر طبق نظریه‌ی برچلر رضایت زناشویی امر ثابتی نیست، بدین ترتیب که در سال‌های اولیه ازدواج رضایت به نحو چشمگیری بالاست و سپس با به دنیا آمدن فرزند این رضایت افت پیدا میکند، در سال‌های نوجوانی فرزندان و نیمه‌های زندگی همچنان سطح رضایت پایین است و زمانی دوباره رضایت افزایش می‌یابد که همه فرزندان خانه را ترک کرده و زوجین به دوره‌ی میانسالی و پیری خود نزدیک شده‌اند (زارع و صفیاری جعفرآباد، ۱۳۹۴).

با توجه به این مسئله سبک‌های نگرش و نوع ابراز عشق در افراد اهمیت زیادی در روابط زناشویی دارد. به‌خصوص اینکه سبک‌های متفاوت در عشق از نگرش‌های متفاوت در این زمینه ناشی می‌شود و در زندگی زناشویی افراد نقش مؤثری بازی می‌کند (یانگ و گلوهموسکی^۵، ۱۹۹۷). نظریه‌ی شش بعدی لی^۶ یکی از مهم‌ترین نظریه‌هایی است که به تبیین انواع عشق می‌پردازد و عبارت است از شش سبک عشق‌ورزی: اروس^۷ (عشق شهوانی، فاقد منطق)، لودوس^۸ (عشق بازیگرانه، عشق تفریحی و بی‌تعهد)، استورگ^۹ (عشق دوستانه، صمیمانه و متعهد)، پراگما^{۱۰} (عشق واقع‌گرایانه، عشق منطقی و عملی)، مانیا^{۱۱} (عشق رمانتیک، افراطی و انحصارطلب) و آگاپه^{۱۲} (عشق فداکارانه، عشق الهی و بدون خودخواهی) (نتو^{۱۳}، ۲۰۰۷).

پژوهش‌هایی که در مورد روابط زناشویی همسران انجام گرفته است بر وجود تفاهم و تاثیر دلبستگی در روابط زناشویی صحه می‌گذارد و مجموعه این پژوهش‌ها این نکته را برجسته می‌کند که دلبستگی بزرگسالان در زندگی زناشویی بسیار با اهمیت است، ولی ممکن است تفاوت‌های بارزی از جهات گوناگون میان همسران با توجه به سبک‌های دلبستگی وجود داشته باشد (مظاهری، ۱۳۷۹).

1. Married

2. Poley

3. Love

4. Hatfield & Rapson

5. Young & Gluhoski

6. Lee

7. eros

8. Idus

9. storg

10. Pragma

11. Mania

12. Agape

13. Neto

دل بستگی پیوند عاطفی نسبتاً پایداری است که بین کودک و یک یا تعداد بیشتری از افراد که وی با آنها در تعامل است ایجاد می شود. بالبی^{۱۴} (۱۹۸۰) معتقد بود که نظریه دل بستگی فقط نظریه تحول کودک نیست، بلکه نظریه تحول در «گستره حیات» نیز هست. یعنی سبک دل بستگی ایجاد شده در دوران کودکی که عبارت اند از: دل بستگی ایمن، دل بستگی نایمن اجتنابی و دل بستگی نایمن دو سو گرا تداوم نسبی خود را تا دوران بزرگسالی ادامه می دهند و همچنان به مراحل بعدی زندگی تداوم می یابد و زندگی فرد را تحت تاثیر قرار می دهد، اما در بزرگسالی ممکن است منبع تغییر یابد و دل بستگی به همسر، جایگزین دل بستگی به مادر گردد. بالبی (۲۰۰۸) معتقد است که دل بستگی در طول زمان دارای ثبات است و نقش مهمی در بهداشت روانی افراد دارد. سبکهای دل بستگی، الگوهای عملیاتی هستند که از مراقبین به فرزندان منتقل شده و نوع روابط مادر - کودک تحت تاثیر این الگوها قرار دارد (وزکویز، هرواس، گامیز^{۱۵}، ۲۰۰۹).

هازن و شیور (۱۹۸۷) بیان کردند که هر یک از سبکهای دل بستگی می تواند با انواع روابط عشقی مرتبط باشد. به این ترتیب که افراد دارای سبک دل بستگی ایمن به دیگران اعتماد دارند، به آسانی رابطه برقرار می کنند، بی دلیل نگران طرد شدن نیستند و از ارتباط خود با دیگران لذت می برند و دارای ثبات هستند. افراد دارای سبک دل بستگی اجتنابی هنگام برقراری ارتباط با دیگران مضطرب میشوند، تمایلی به اتکاء به دیگران نشان نمی دهند، از انتظار صمیمیت زیاد با همسر با نزدیکان خود میهراسند و کناره گیر و غیر مسئول هستند. افراد دارای سبک دل بستگی دوسوگرا (مضطرب- نایمن) تمایل دارند به شریک زندگی خود کاملاً تکیه کنند، در حالیکه مضطرب و نامطمئن هستند (حسین پورلنگرودی، نوری قاسم آبادی و وکیلی، ۱۳۹۲).

فریکر و مور^{۱۶} (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان دادند که افرادی که سبک دل بستگی آنها نایمن اجتنابی بوده، تعهد کمتر و میزان رضایت پایین تری در روابط زناشویی داشتند و بر عکس افراد با سبک دل بستگی ایمن، از رضایت و تعهد بیشتری در روابط زناشویی برخوردار میباشند. با توجه به این مطالب می توان گفت یک سبک دل بستگی خاص می تواند یک سبک عشق ورزی خاصی را به دنبال داشته باشد.

اما همه چیز در همین جا خاتمه نمی یابد و نمی توان تولد فرزندان که خود بخش مهمی از چرخ تحول خانواده است و باعث افزایش تعداد نقش های زنان شده و تاثیر آن بر عشق به شوهر را نادیده گرفت. در واقع زنان نسبت به مردان از نقشهای متفاوتی برخوردارند و دید متفاوتی نسبت به ابعاد گوناگون رابطه (از قبیل تقسیم وظایف، فرزند پروری و جمعیت جنسی) دارند به شکلهای متفاوتی به ارزیابی رابطه می پردازند. همچنین ارزیابی زنان از رابطه دقیق تر از مردان است زیرا آنها تاکید بیشتری بر رابطه دارند. این تفاوتها برخی از محققان را بر آن داشته است تا اظهار کنند که به الگوهای رضایت زناشویی مجزا برای مردان و زنان به دلیل تفاوت در دیدگاهشان نسبت به رابطه نیاز دارند (ایلز^{۱۷}، ۲۰۰۴).

چرخه زندگی خانواده عاملی تاثیر گذار بر روابط بین زوج ها در طی زندگی زناشویی است و بر اساس یافته های پژوهشی رضایت زناشویی در مراحل مختلف چرخه زندگی خانواده به یک میزان نیست. برای نمونه علی نقیان و فرحبخش (۱۳۸۲) در یک پژوهش بر روی نمونه ای از زوج ها که در مراحل مختلف به سر می بردند مشاهده کردند که میزان رضایت از زندگی در زوجهای تازه عقد کرده و ازدواج کرده بالاست و در زوجهایی که دارای فرزند هستند یا فرزندان آنها در مرحله بلوغ هستند مقدار آن کاهش می یابد. همچنین اسکوم و باگیش^{۱۸} (۱۹۸۶) در پژوهش های خود نشان دادند که رضایت زناشویی در آغاز ازدواج بالاست و در دوران تولد فرزند و مدرسه کاهش و سپس دوباره افزایش می یابد. در برخی دیگر نیز کاهش رضایت زناشویی را مصادف با دوران بازنشستگی گزارش نمودند.

همچنین این تفاوت زمانی که نقش دانشجویی در زنان به میان می آید می تواند نتایج شگفت آوری را در جهت بسط بیشتر نظریه دل بستگی به همراه داشته باشد. علی رغم تحقیقات متعددی که درباره تاثیر سبک دل بستگی بر عشق انجام گرفته است اما جای تحقیقات کیفی که از طریق استقرائی مولفه ها و مقوله های سبک دل بستگی و عشق به همسر در زنان دانشجویی دارای فرزند زیر یک سال را بررسی نمایند، نادر است بنابراین لازمه وجود عشق در بین زوجین وجود دل بستگی ایمن در بین آنها می باشد.

¹⁴. Bowlby

¹⁵. Vázquez, Hervás, Rahona & Gómez,

¹⁶. Fricker & Moore

¹⁷. Ayles

¹⁸. Schmm & Bugishis

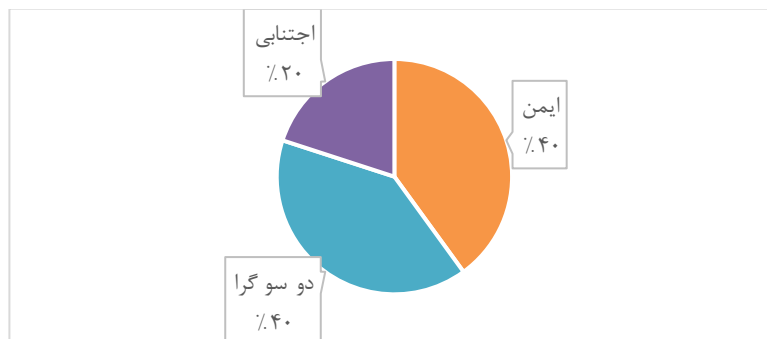
سبک دلبستگی یکی از عوامل شخصی است که بر همسازی و ناهمسازی زناشویی تأثیر می گذارد. از این رو پژوهش حاضر به مطالعه کیفی از طریق مصاحبه های نیمه ساختار یافته و روش تحلیل محتوا بر سبک دلبستگی و عشق به همسر در زنان دانشجوی دارای فرزند زیر یک سال شهر اصفهان می پردازد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع تحقیقات کیفی و به روش «تحلیل محتوا» صورت پذیرفت. فرآیند تحلیل محتوا از نظر کلوس کریپیندورف گردآوری داده ها و اعتبار بخشی، تقلیل داده ها (تقلیل داده های خام با توجه به هدف پژوهش که می تواند به صورت آماری، جبری یا فقط حذف جزئیات نامربوط باشد)، مفهوم نهایی اظهارات (استنباط) و تحلیل و گزارش بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه زنان دانشجوی دارای فرزند زیر یک سال شهر اصفهان می باشد که به روش نمونه گیری نظری و هدفمند زنان متأهل و دانشجوی دارای فرزند زیر یک سال در شهر اصفهان جمع آوری شد. در ابتدا از آزمودنی ها پرسش نامه دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور اخذ گردید تا سبک دلبستگی ایشان مشخص و البته در ادامه در مصاحبه نیمه ساختار یافته نیز سبک دلبستگی استخراجی از پرسشنامه مجدداً بررسی و تایید گردید. جهت تعیین سبک دلبستگی آزمودنی ها از روش سه سویه سازی استفاده گردید به این روش که ابتدا و قبل از ورود آزمودنی ها به پژوهش سبک دلبستگی ایشان توسط «پرسشنامه دلبستگی بزرگسالان هازن و شیور» سنجیده و سپس از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته و همچنین مشاهدات مصاحبه کننده سه سویه سازی تکمیل گردید. تعداد مصاحبه ها تا زمان اشباع اطلاعاتی ادامه یافت و در نهایت ۱۰ مصاحبه وارد مطالعه گردید.

نتایج

براساس مصاحبه های انجام شده میزان سبک دلبستگی افراد به صورت توصیفی در نمودار ۱ نشان داده است.



نمودار ۱: نمودار درصد فراوانی سبک دلبستگی اعضای نمونه تحقیق

سوال اول: آیا تولد فرزند و سبک دلبستگی زنان دانشجوی دارای فرزند زیر یک سال شهر اصفهان بر عشق به همسرانشان تأثیر دارد؟

جدول ۱: قطعه کد های عشق بر اساس نظریه مثلث استنبرگ

بعد فرزندآوری	قبل فرزندآوری	آزمودنی
فقدان عشق	عشق پوچ	آزمودنی اول
رفاقتی	رمانتیک	آزمودنی دوم
عشق پوچ	عشق پوچ	آزمودنی سوم
فقدان عشق	عشق پوچ	آزمودنی سوم
دوست داشتن		

عشق پوچ	عشق پوچ	آزمودنی چهارم
فقدان عشق	ابلهانه	آزمودنی پنجم
آرمانی یا کامل	آرمانی یا کامل	آزمودنی ششم
رفاقتی	آرمانی یا کامل	آزمودنی هفتم
آرمانی یا کامل	آرمانی یا کامل	آزمودنی هشتم
آرمانی یا کامل	آرمانی یا کامل	آزمودنی نهم
ابلهانه	ابلهانه	آزمودنی دهم

سوال دوم: چگونه تولد فرزند و سبک دلبستگی زنان دانشجوی دارای فرزند زیر یک سال شهر اصفهان بر عشق به همسرانشان تاثیر دارد؟

جدول ۲: جدول قطعه تاثیر فرزند بر زندگی زناشویی و عشق به همسر به روایت زنان دانشجو

آزمودنی	مقوله	قطعه کد
آزمودنی اول	<ul style="list-style-type: none"> دلایل کاهش عشق شرایط سخت بارداری عدم امکانات اقتصادی کافی زوجین برای فرزند آوری پیش کشیدن مشکلات گذشته و عدم توافق در فرزند پروری کاهش شور و اشتیاق به همسر و بی توجهی زوج به وضعیت روحی همسر بچه ها زمان زیادی می گیرن نبود صمیمیت بین همسران دلایل افزایش عشق: تاثیر افزایش سن فرزند 	<ul style="list-style-type: none"> دوران بارداری سختی داشتم. دوری از همسر اختلافات خانوادگی عدم رابطه گرم و صمیمی عدم همدلی و کمک کاهش انرژی افزایش سن فرزند
آزمودنی دوم	<ul style="list-style-type: none"> دلایل کاهش عشق: پیش کشیدن مشکلات گذشته کاهش شور و اشتیاق به همسر بچه ها زمان زیادی می گیرن دلایل افزایش عشق: صمیمیت بالا قبل از فرزند آوری 	<ul style="list-style-type: none"> صحبت در مورد موضوعات گذشته دیگه حالا زیاد با هم رابطه جنسی نداریم ولی خیلی دوست و صمیمی شدیم من هم بیشتر وقتم را گذاشتم برای تربیت فرزند و مطالعه برای بهتر تربیت کردن همین
آزمودنی سوم	<ul style="list-style-type: none"> دلایل کاهش عشق عدم توافق در فرزند پروری بی توجهی زوج به وضعیت روحی همسر پیش کشیدن مشکلات گذشته اختلاف سنی بین همسران نبود ارتباط کلامی بین همسران بچه ها زمان زیادی می گیرن توجه افراطی همسر به نوزاد 	<ul style="list-style-type: none"> اختلاف در تربیت فرزند عدم هماهنگ بودن در مهمانی ها و برنامه ریزی ها اختلاف در اخلاق و رفتارهای یکدیگر اختلاف سنی وقت کمتر برای همسر آدم نمی تونه از بچه‌ی خودش بگذره

<ul style="list-style-type: none"> • بچه آدم به نظرم نزدیکترین فرد به خود آدمه در زندگی چه از نظر احساسی و چه از نظر فیزیکی و ارتباطی • کلا بچه انگار شده یک سپر در برابر احساسات بدی که در ارتباط با همسرم داشتم 	<ul style="list-style-type: none"> • استفاده از فرزند به عنوان سپر بلا 	
<ul style="list-style-type: none"> • همچنان اگه در مورد مسایل زندگی زناشویی کم بذارم علیرضا ربطش میده به ملیکا و اینکه چون برا ملیکا اینقدر انرژی میدارم برا اون انرژی ندارم یا از این حرفا • استفاده زیاد همسر از موبایل • هر موقع خواستیم گفتگو کنیم از بس مسائل را میپیچونه و همه را به هم ربط میده 	<p>دلایل کاهش عشق</p> <ul style="list-style-type: none"> • انرژی زیادی که فرزند پروری دارد • بی توجهی زوج به وضعیت روحی همسر • نبود ارتباط کلامی بین همسران 	<p>آزمودنی چهارم</p>
<ul style="list-style-type: none"> • باید حواسمان به همسر جمع باشد • رابطه ما قبل از به دنیا اومدن فرزند خیلی هم خوب نبود. • من بچه دار شدم تا رابطه مون بهتر بشه و شوهرم به واسطه اون به زندگی دلگرم تر بشه • رابطه خوب صمیمیت واقعی بینمون نیست دیگه که به نظرم چندان ضرورتی هم ندارد 	<p>دلایل کاهش عشق</p> <ul style="list-style-type: none"> • نبود صمیمیت بین همسران • کاهش شور و اشتیاق به همسر • نبود ارتباط کلامی بین همسران • عدم توافق در فرزند آوری • استفاده از فرزند به عنوان سپر بلا 	<p>آزمودنی پنجم</p>
<ul style="list-style-type: none"> • من و همسر با توافق هم بچه دار شدیم • هم من و هم همسر تحصیل را برای رشد فکری انتخاب کرده بودیم و مهارت های همسر داریمون خیلی خوبه 	<p>دلایل افزایش عشق</p> <ul style="list-style-type: none"> • توافق دو طرفه برای حضور فرزند 	<p>آزمودنی ششم</p>
<ul style="list-style-type: none"> • در رابطه عاشقانه نه ولی روابطمون کم رنگ شده • رابطه جنسی و وقت دونفرمون کم شده تمام تایم با بچه ها هستیم 	<p>دلایل کاهش عشق</p> <ul style="list-style-type: none"> • بچه ها زمان زیادی می گیرن 	<p>آزمودنی هفتم</p>
<ul style="list-style-type: none"> • چون از ابتدا با هم صمیمی بودیم • چون از ابتدا با هم صمیمی بودیم و توافق برای بچه دار شدن هم داشتیم. به همین خاطر مشکل خاصی برامون پیش نیومد 	<p>دلایل افزایش عشق</p> <ul style="list-style-type: none"> • صمیمیت بالا قبل از فرزند آوری • توافق دو طرفه برای حضور فرزند 	<p>آزمودنی هشتم</p>
<ul style="list-style-type: none"> • ابراز کردند و گفتند اصلا دیگه حواست به من نیست و تمام توجهت معطوف بچه شده • در مورد فرزند دوم چون قبلا تجربه کسب کرده بودم و حواسم بود که توجهم به هر سه باشه • به شوهرم میگم حتی اگر من دارم ناحق میگم زود کوتاه بیا چون روحیم این جوریه هست 	<p>دلایل کاهش عشق</p> <ul style="list-style-type: none"> • توجه افراطی همسر به نوزاد • تاثیر تجربه فرزند دوم • انرژی زیادی که فرزند پروری دارد • توقعات بی جا از همسر 	<p>آزمودنی نهم</p>

<ul style="list-style-type: none"> • یک فرد جدید به زندگی اضافه میشه و دو نگرش جدید برای تربیت این فرزند هست و اختلاف عقیده و نظر هست • درگیر کارهای بچه میشم و همین باعث میشه تایم کمتری داشته باشم. • من بچم که به دنیا امد چون سنم کم بود و تجربه ای نداشتم خیلی باهوش درگیر میشدم • من یک ادم به شدت احساسی هستم و این موضوع باعث شده اختلاف نظر زیادی داشته باشیم. و این از اول زندگی بوده. • خیلی زیاد احساس تنهایی میکنم. دوست دارم مدام مورد توجه باشم • ما خیلی اختلاف نظر داریم • انتظار داره من ازش ناراحت هستم باهوش خوش رفتاری داشته باشم. • من مدت زیادی هست که اصلا از بودن با همسر لذت نمیرم. 	<p>دلایل کاهش عشق</p> <ul style="list-style-type: none"> • عدم توافق در فرزند پروری • بچه ها زمان زیادی می گیرن • سن پایین در فرزند آوری • توقعات بی جا از همسر • بی توجهی زوج به وضعیت روحی همسر • عدم توافق در فرزند پروری • پیش کشیدن مشکلات گذشته • بی توجهی زوج به وضعیت روحی همسر • کاهش شور و اشتیاق به همسر 	<p>آزمودنی دهم</p>
---	--	------------------------

جدول ۳: قطعه کد های بیشترین عشق زنان دانشجو بعد از تولد فرزند به کیست

قطعه کد	بیشترین عشق مادر /مقوله	آزمودنی
من چون بارداری خیلی سختی داشتم همه میدونن چقدر روی پسر حساسم، شوهرمم خب ما تا آخر عمر باهم میمونیم، پدر ومادرمم خیلی دوستشون دارم	عشق به فرزند	آزمودنی اول
همسر. مادرم وبعد فرزندم. چون همسرم خیلی کارهایی برام انجام دادند که اصلا وظیفشون نبوده و محبت هاشون بسیار برام ارزشمند	عشق به همسر	آزمودنی دوم
ابتدا فرزندم و سپس همسر. در محیط خانواده ی پدری هر کسی میره دنبال زندگی و سرنوشت خودش. با همه ی این شرایط و علاقه ای که به همه ی بستگان و دوستانم دارم، اما آدم نمی تونه از بچه ی خودش بگذره. بچه آدم به نظرم نزدیک ترین فرد به خود آدمه در زندگی چه از نظر احساسی و چه از نظر فیزیکی و ارتباطی (نسبی) و بعد همسر (سببی). بچه ی آدم نزدیک ترینه.	عشق به فرزند	آزمودنی سوم
اول همسر بعد مامانم	عشق به همسر	آزمودنی چهارم
اول همسر و بعد فرزندانم وبعد پدر ومادر. این را از این جهت انتخاب کردم که اگر هر سه به من نیاز داشته باشن در یک زمان واحد اول نیاز همسر وبعد فرزندانم وبعد والدینم را رفع کردم	عشق به همسر	آزمودنی پنجم
اول همسر سپس فرزندم. چون همسر پایه ی اولیه ی زندگی است و سپس فرزندان. اگر ما با هم خوب باشیم. آن ها هم یاد می گیرند که با هم خوب باشند	عشق به همسر	آزمودنی ششم

در این مقطع اول بچه هام البته چون تازه زایمان کردم وهورمون هام هنوز سرجاشون نرفتند وگرنه اول همسرم بود ولی الان اول بچه هام بعد همسرم بعد بابام وبعد مامانم	عشق به فرزند	آزمودنی هفتم
اولویت نخست در زندگی من همسرم هستش. ارزشمندترین دارایی آدم همسرشه. و پس از همسرم هم خانواده برام خیلی مهمه	عشق به همسر	آزمودنی هشتم
اول دخترم انتخاب میشه چون تمام وابستگی ودلبستگی به من هست وبعد همسرم ونهایتا والدینم	عشق به فرزند	آزمودنی نهم
اول بچه هام چون میزان عشق به بچه بینهایت هست من حاضرم بمیرم ولی بچه هام هیچ اذیتی نداشته باشند. بعدی را نمیدونم. من شیرینی عشق را با بچه هام چشیدم. والدین وهمسرم هر دو در یک رده هستند.	عشق به فرزند	آزمودنی دهم

نتیجه گیری

حمیدی (۱۳۸۶) در پژوهش خود نشان داد که دانشجویان متأهل با سبکهای دلبستگی ایمن، از رضایتمندی زناشویی بالاتری برخوردارند در حالیکه در دانشجویان متأهل با سبکهای دلبستگی ناایمن اجتنابی و دوسوگرا رضایت زناشویی به طور معناداری کمتر از افراد با سبک دلبستگی ایمن بود. تحقیقات به طور کلی از گزاره نظریه دلبستگی حمایت میکند که افراد دارای دلبستگی ایمن روابط زناشویی بهتری دارند (سیمپسون، رولز و نیلگان^{۱۹}، ۱۹۹۲؛ بارثولومئو وهوروویتز^{۲۰}، ۱۹۹۱؛ گالو و اسمیت^{۲۱}، ۲۰۰۱). برای مثال کوباک و هزن^{۲۲} (۱۹۹۱) کیفیت زناشویی در میان ۴۰ زوج را مورد مطالعه قرار دادند و سطوح بالاتری از رضایت در زوجهای ایمن منفصل پیدا کردند. دلبستگی ایمن همچنین پیشین حل تعارض موفقیت آمیز (کوباک و هزن، ۱۹۹۱)، روابط مستقل، تعهد، اعتماد و هیجانان مثبت در ازدواج است (کالینز و رید^{۲۳}، ۱۹۹۴).

یافته های پژوهش در پاسخ به سوال پژوهش نشان می دهد میزان عشق به همسر و نوع عشق ورزی زنان دارای فرزند زیر یک سال از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته استخراج گردید که به نظر می رسد نوع عشق ایشان متفاوت و میزان عشق به همسر در ایشان تغییر نموده است ولی آنچه در این پژوهش به وضوح نشان داده شده است تفاوت تاثیر نوع عشق در سبک های دلبستگی متفاوت است به نحوی که وقتی سبک دلبستگی آزمودنی متفاوت باشد نتیجه های متفاوتی به دست می آید. همچنین پژوهشگر در مصاحبه پایلوت به این نتیجه رسید که سبک دلبستگی زنان بدون در نظر گرفتن سبک دلبستگی همسرانشان می تواند در درک هستی عمیق مسئله و نتیجه پژوهش تاثیر منفی بگذارد. بنابراین سبک دلبستگی بر میزان عشق به همسر در زنان دارای فرزند زیر یک سال موثر است و تولد فرزند بر عشق زنان دارای سبک دلبستگی ایمن به همسرانشان کمترین تاثیر را بر جای نهاده است. همچنین مشخص گردید مقوله های «بچه ها زمان زیادی می گیرند»، «عدم توافق در فرزند پروری»، «توجه افراطی همسر به نوزاد»، «بی توجهی زوج به وضعیت روحی همسر»، «پیش کشیدن مشکلات گذشته» و «نبود ارتباط کلامی بین همسران» بیشترین فراوانی را در کاهش عشق زنان دارای فرزند زیر یک سال به همسرانشان دارا می باشند. پژوهشگر همچنین دریافت که سبک دلبستگی همسران نیز می تواند در این نتایج موثر است.

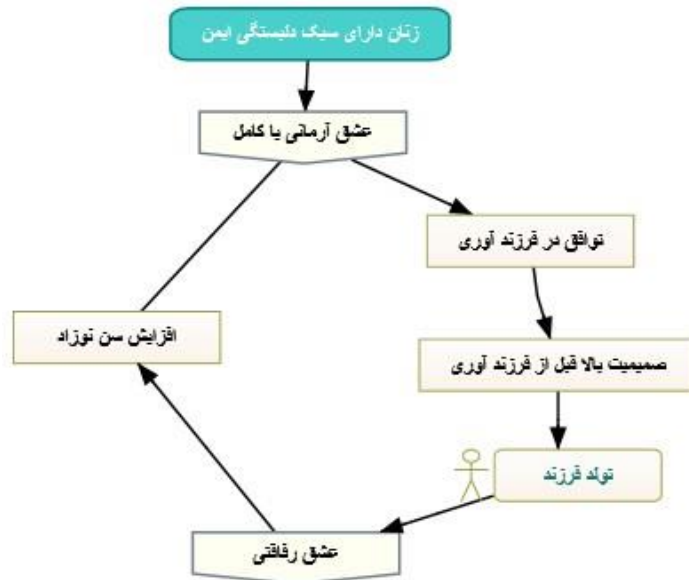
19. Simpson, Rholes & Nelligan

20. Bartholomew & Horowitz

21. Gallo & Smith

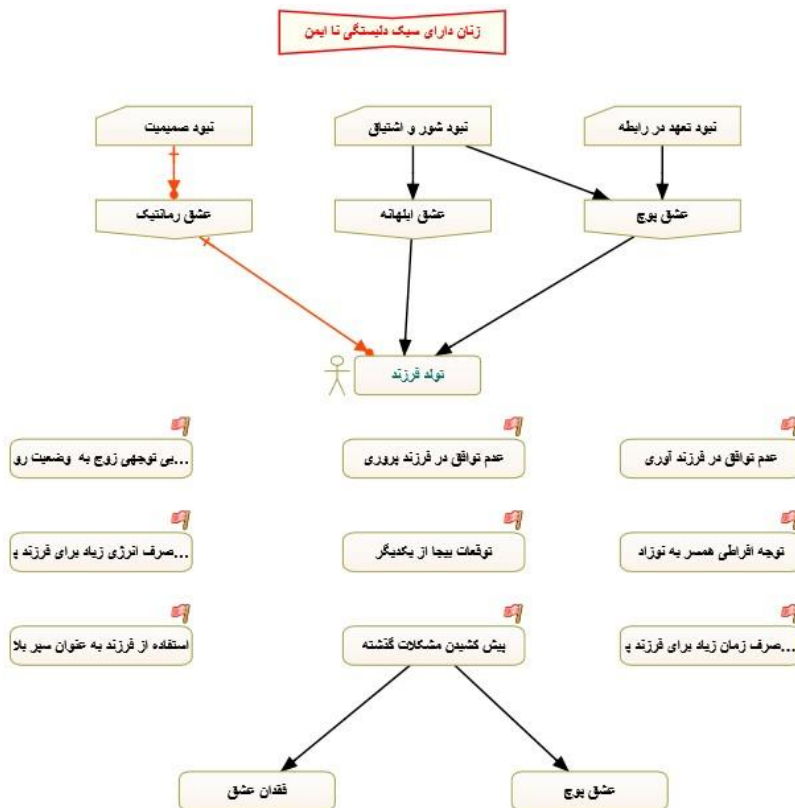
22. Kobak & Hazan

23. Collins & Read



نمودار ۲: فرایند کاهش عشق به همسر در زنان ایمن و بازگشت به عشق آرمانی

نمودار ۲ نشان می‌دهد که میزان عشق در زنان دارای سبک دلبستگی ایمن به دلیل فرزند آوری از سبک عشق ورزشی آرمانی به سبک عشق رفاقتی تغییر وضعیت داده ولی با افزایش سن نوزاد و کاهش فشار ناشی از ورود عضو جدید به خانواده مجدداً به سبک عاشانه آرمانی بازگشت می‌کنند. ولی در سبک‌های دلبستگی ناایمن به دلایل متعدد که در نمودار ۵-۲ مشخص گردیده است برخی از اضلاع مثلث ناقص بوده که با تولد فرزند میزان عشق در ایشان کاهش یافته و مشکلات بیشتر می‌گردد.



نمودار ۳: فرایند کاهش عشق به همسر در زنان نا ایمن

از محدودیت های پژوهش کمبود ادبیات پژوهشی و نظری به زبان فارسی در زمینه تاثیر تولد فرزند بر میزان عشق زنان به همسرانشان بود همچنین تحصیلات و افزایش میزان سواد روانشناسی موجب گردیده بود که برخی از آزمودنی ها بخواهند خود را در مقابل پژوهشگر منطقی و ایده ال نشان دهند. پیشنهاد می شود موضوع پژوهش با روش کمی - کیفی و به وسیله ابزار جمع آوری اطلاعات استاندارد شده انجام گیرد تا بتوان با روش های آماری موجود مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد و پیشنهاد می شود پژوهشگران کیفی یا کمی دیگر برای قابلیت تعمیم پذیری نتایج و ارزشمندتر شدن آن، روی تاثیر تولد فرزند بر میزان عشق در زوجین تمرکز و بررسی کنند.

منابع و مراجع

- [۱] حسین پورلنگرودی، ف. نوری قاسم آبادی، ر. و کیلی، پ. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سبک های دلبستگی با نگرش به ازدواج در دانشجویان مجرد دانشگاه تهران. فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی. ۴(۳): ۱۱۳-۱۲۵.
- [۲] حمیدی، ف. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک های دلبستگی با رضایت مندی زناشویی در دانشجویان متأهل دبیری. خانواده پژوهی. ۳(۹): ۴۴۳-۴۵۳.
- [۳] زارع، ب. صفیاری جعفرآباد، ه. (۱۳۹۴). مطالعه ی رابطه ی عوامل موثر بر میزان رضات از زندگی زناشویی در بین زنان و مردان متأهل شهر تهران. مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان. ۱۳(۱): ۱۱۱-۱۴۰.
- [۴] شهبازی م. کرای، ا. کیانی جم، ن. (۱۳۹۶). استانداردهای زناشویی و اسنادهای ارتباطی به عنوان پیش بینی های سازگاری و ناسازگاری زناشویی زنان. مجله روانشناسی خانواده. ۴(۴۲): ۴۲-۲۹۰.
- [۵] شولتز، د. شولتز، س. / (۲۰۱۳). نظریه های شخصیت. ترجمه ی یحیی سید محمدی (۱۳۹۸). تهران: موسسه نشر ویرایش.
- [۶] علینقیان، م. فرحبخش، ک. (۱۳۸۲). بررسی تفاوت میزان سازگاری زناشویی در سه گروه زوجین فاقد فرزند، دارای فرزند و فرزندان متأهل. پایان نامه کارشناسی دانشگاه آزاد خمینی شهر.
- [۷] مظاهری، م. ع. (۱۳۷۹). نقش دلبستگی بزرگسالان در کنشوری ازدواج. مجله روانشناسی. ۱۵: ۳۱۸-۲۸۶.
- [8] Ayles, C. (2004). Biographical Determinants of Marital Quality. http://www.oneplusone.org.uk/Publications/Reports/BiographicalDeterminants_FullReport.pdf. Accessed 2013.
- [9] Darvishzadeh, Pasha. Gh. (2011). The Effect of Premarital Education on Students' Love Story. *New findings in psychology*. 2011. 7-21. [Persian]
- [10] Fricker, J., & Moore, S. (2006). *Predicting infidelity: The role of attachment styles, lovstyles, and the Investment Model*. Swinburne University of Learning, Memory, and Cognition, 33(3), 615.
- [11] Fricker, M., Runions, J. & Moore, I. Quantitative fluorescence microscopy: from art to science. *Annu. Rev. Plant Biol.* 2, 79-107
- [12] Gallo, L.C. & Smith, T.W. (2001). Attachment style in marriage: Adjustment and responses to interaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 18, 174-190.
- [13] Young, J. Gluhoski, V. (1997). A schema-focused perspective on satisfaction in close relationships. In Sternberg RJ, Hojjat M. Satisfaction in close relationships. New York: Guilford Press. p. 356-381
- [14] Hatfield, E., & Rapson, R. (1993). *Love, sex and intimacy: The psychology, biology, and history*. New York: Harper Collin.
- [15] Kobak, R. R., & Hazan, C. (1991). Attachment in marriage: Effects of security and accuracy of working models. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60, 861-869.
- [16] Neto, F. (2007). Love Styles: A Cross-Cultural Study of British, Indian, and Portuguese College Students. *Journal of Comparative Family Studies*. 38, (2), 239-258.
- [17] Poley, J. M. (2011). *A pre-marriage proposal: Getting ready for marriage, an Adlerian design*. The Degree of Master of Arts in Adlerian Counseling and Psychotherapy. Adler Graduate School, Nikki Marchand, MLIS.
- [18] Schmm, W.R., & Bugishis, M.A. (1986). Marital quality over the marital career: alternative explanation: *Journal of marital and the family*, 48: 156-168.
- [19] Simpson, J. A. Rholes, W. S. & Nelligan, J. S. (1992). Support seeking and support giving with in coples in an anxiety provoking situation: The role of attachment styles. *Journal of Personality and Social Psychology*, 62(3), 434-446.

- [20] Vázquez, C., Hervás, G., Rahona, J. J., & Gómez, D. (2009). Psychological well-being and health. Contributions of positive psychology. *Annuary of Clinical and Health Psychology*, 5 :pp. 15-27.